

## عفاف در خانواده

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی محمدی \*

### مقدمه

جامعه از رودخانه‌ها و چشمه‌های کوچک خانواده‌ها شکل گرفته است. اگر این چشمه‌ها و رودخانه‌ها گل‌آلود و مسموم باشد و آب آن نیز مناسب نباشد؛ نباید توقع داشت که آن دریا و آن اقیانوس هم آب خوبی داشته باشد. مدارس، مراکز، دانشگاه‌ها، شهرها، روستاها، اجتماعاتی تشکیل شده از خانواده‌های مختلف هستند. به همین دلیل است که اسلام توجه عمیقی به نهاد اجتماعی خانواده داشته و آیات متعددی در این رابطه نازل شده است. نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي»<sup>۱</sup> یعنی بهترین شما، کسی است که برای خانواده‌اش بهترین باشد. بعضی افراد در بیرون از خانه، خودشان را خوب نشان می‌دهند. در محیط خودشان را کار خیلی عالی نشان می‌دهند. با همکار، رفیق و دوست در کوچه در خیابان خوب هستند، اما در خانه خوب نیستند. رسول‌خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «خَيْر وَ شَرُّ شما را با خانواده‌تان می‌سنجند. بهترین شما، کسی است که خانواده‌اش از او بیشتر راضی باشد. من که پیغمبر شما هستم، بهترین شما در همه جهات از جمله در رسیدگی به خانواده هستم». سپس فرمودند: «مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَثِيمٌ...»<sup>۲</sup> مردها و افرادی که زن‌هایشان را تحقیر می‌کنند، لثیم هستند و آن‌هایی که خانواده‌هایشان را تکریم می‌کنند، کریم هستند. ملاک پستی و کرامت ملاک برتری

\* عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۲۰، ص ۱۷۱؛ حسن بن فضل طبرسی؛ مکارم الأخلاق؛ ص ۲۱۶.

۲. ابوالقاسم پاینده؛ نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)؛ ص ۴۷۲.

و سقوط، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمودند: «از زن‌هایشان پرسید، ببینید آیا مردان خانواده‌شان را تحویل می‌گیرند یا نه؟ زن‌هایشان را تکریم می‌کنند یا نه؟ آدم‌های باکرامت، به کسی اهانت و او را تحقیر نمی‌کنند». این ملاکی است که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به ما داده است. آن حضرت در سخن دیگری فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ» و دو بار لعنت کرد کسی را که حق عیال و خانواده‌اش را ضایع کند، حقیقتش را نادیده بگیرد و به آن‌ها بی‌توجهی کند: «مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يُعُولُ...»<sup>۱</sup>. این‌ها نکاتی است که در دین، آیات و روایات ما مطرح شده است. هیچ نهاد، مرکز و مذهبی به زیبایی اسلام و قرآن در مورد حقوق خانواده سخن نگفته است.

یکی از حقوق و نکات مهم در اخلاق خانوادگی، بحث حجاب و عفاف است. معضل کنونی جامعه ما که متأسفانه به رسانه‌هایمان نیز راه پیدا کرده است، عدم رعایت فرهنگ عفاف، حجاب و عدم رعایت پوشش و حریم مرد و زن است. قرآن دو شخصیت را به عنوان مظهر عفاف، حجاب و حیا معرفی کرده است: حضرت یوسف علیه السلام و حضرت مریم علیها السلام. البته بعضی از مفسرین از آیاتی که درباره این دو شخصیت سخن گفته است، چنین برداشت کرده‌اند که مقام حضرت مریم علیها السلام در این بعد، به یک معنا بالاتر از حضرت یوسف علیه السلام است. قرآن کریم هر دو شخصیت را ستوده است.

### عفاف حضرت یوسف علیه السلام

بنا بر آیات قرآن، وقتی یوسف علیه السلام در اتاق در بسته، در برابر گناه قرار گرفت: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ»<sup>۲</sup>؛ زلیخا به دنبالش می‌دوید: «وَهُمْ بِهَا»، یوسف علیه السلام هم جوان و زیبا و مجرد بود، طبیعتاً میل جنسی داشت: «لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٖ»<sup>۳</sup>. لطف خدا و زمینه‌ای که در وجودش بود، جلوی این میل جنسی‌اش را گرفت و او را نجات داد. حضرت یوسف علیه السلام از این جهت الگویی شایسته برای مردان جامعه امروز ماست.

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۴، ص ۱۲؛ محمد بن علی صدوق؛ کتاب من لایحضره الفقیه؛ ج

۲، ص ۶۸.

۲. یوسف: ۲۴.

۳. یوسف: ۲۴.

### عفاف حضرت مریم علیها السلام

الگوی دوم حضرت مریم علیها السلام است. وقتی مریم علیها السلام تنها نشسته بود، دید مردی به طرفش می‌آید. مریم علیها السلام به آن مرد اهتمام نورزید؛ بلکه او را نهی از منکر و امر به معروف کرد، گفت: «إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ»<sup>۱</sup> من از تو به خدا پناه می‌برم. سپس گفت: «إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا؛ اگر تقوا دارید و پرهیزگارید». این، همان حرفی که درباره یوسف علیها السلام گفته شد: «لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»<sup>۲</sup>. این دو شخصیت، مظهر عفاف هستند. برهان رب، یوسف علیها السلام را نجات داد و حضرت مریم علیها السلام به خدا پناه برد که هر دو حالت به تقوا، خویشتن‌داری و عفاف بر می‌گردد. در بعضی روایات آمده است وقتی قیامت می‌شود و به بعضی افراد که مرتکب معصیت زنا یا فحشا یا بی‌بند و باری شدند می‌گویند چرا این کار را کردید؟ می‌گویند: جوان بودیم، زیبا بودیم؛ یوسف علیها السلام را می‌آوردند و به آن فرد گنهکار می‌گویند بین تو زیباتر هستی یا یوسف؟ برای زنان گنهکار نیز حضرت مریم علیها السلام را می‌آوردند و می‌گویند این مریم، مادر عیسی است. بین تو نسبت به او برتری داری یا او نسبت به تو؟

### دستور قرآن نسبت به عفاف و حجاب

قرآن در آیه ۵۹ سوره احزاب می‌فرماید: رعایت پوشش توسط افراد جامعه دارای دو اثر است. به این دو اثر دقت کنید، آن‌گاه روزنامه‌ها را بخوانید، اخبار را گوش کنید. ببینید این آیه چقدر زیبا در جامعه پیاده می‌شود! می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ؛ ای پیامبر **«قُلْ لِرِزْوَانِكُمْ»**؛ به همسرانت بگو؛ یعنی رهبر و مدیر یک جامعه ابتدا باید خانواده خودش را اصلاح کند. اگر انسان ابتدا خانواده خودش را اصلاح نکند و به خانواده‌اش تذکر ندهد، نمی‌تواند به مردم تذکر بدهد. از این روست که خدا از همسران پیامبر شروع کرد و گفت: ای پیامبر به زنان بگو، **«وَبَنَاتِكَ»**؛ به دخترانت هم بگو، **«وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ»**، سپس به زنان مردم، به زنان مؤمنان بگو. **«يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ»**؛ - جلباب به معنای همان پارچه‌های بلند مثل چادر است - این جلباب و پارچه‌ها را از روی سر پایین ببندازند و مثل چادر و مانتوهای بلند در بیاورند؛ به گونه‌ای که یقه و مو پیدا نباشد. این آیه، آیه حجاب در قرآن است و به صراحت

۱. مریم: ۱۸.

۲. یوسف: ۲۴.

به زنان می‌گوید این پوشش از بالای سر تا پایین را بیاندازند که بدنشان را بپوشانند. «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ»، این کار باعث می‌شود که به عنوان یک زن مسلمان آزاد و با حجاب شناخته شوند، و میان آنان و زنان بی‌حجاب و غیر متدین فرق باشد. پوشیدن جلباب، زن مسلمان را شاخص و از دیگران جدا می‌کند، و به زن شخصیت می‌دهد. نقل است روزی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نشسته بودند، دختر بچه‌ای وارد شد. هر کسی دستی به سرش کشید. انسان به بچه کوچک عواطف شهوانی ندارد، غلبه احساسی و عاطفی است. وقتی دختر بچه نزد امام رضا علیه السلام رسید، حضرت پرسید چند سالش است؟ گفتند پنج سالش است. امام با دست اشاره کرد او را ببرند، سپس فرمود دیگر بی‌حجاب در جمع نیاید.

### خانمی که امام زمان علیه السلام به دیدن او آمد

مرحوم آقا سید محمدباقر سیستانی - رضوان الله تعالی علیه - می‌گوید: من تصمیم گرفتم به گونه‌ای خدمت آقام امام زمان علیه السلام برسم، لذا چهل جمعه در مسجد محله‌مان مراسم زیارت عاشورا رفتم - این زیارت معتبر، مستند و قابل اعتماد و وارد از امام باقر و امام صادق علیهما السلام است؛ زیارتی که آثار دنیوی و اخروی اش بی‌نظیر است - ایشان می‌گویند تنها نیتیم این بود که آقا امام زمان علیه السلام را زیارت کنم. در یکی از این جمعه‌ها احساس کردم حال خوشی دارم. زیارت عاشورا را که خواندم، از مسجد بیرون آمدم. بوی عطر خوشی از خانه نزدیک مسجد می‌آمد و نوری از آن به بیرون می‌تابید. مردم از کنار این خانه عبور می‌کنند و نگاه نمی‌کنند، ولی این نور مرا به خودش جلب کرد. جلوتر رفتم. دیدم در باز است، با خودم گفتم: اجازه دارم وارد شوم. وقتی وارد شدم، دیدم جنازه‌ای روی زمین است که روی آن هم پارچه‌ای کشیده‌اند. ناگهان متوجه حضور آقای نورانی در کنار این پیکر شدم، با چهره‌ای که در روایات ما توصیف شده است. وقتی سلام کردم، متوجه شدم آقا و مولایم، حجة بن الحسن علیه السلام هستند. این قضیه در بیداری اتفاق افتاده است. صاحب «عبرئ الحسان»، مرحوم نهاوندی - رضوان الله تعالی علیه - و صاحب «النجم الثاقب»، فراوان از این دیدارها نقل کرده‌اند که همه درست است. اینکه گفته‌اند: شما ادعای رؤیت نکنید، خواسته‌اند کسی دکان باز نکند. گاهی بعضی‌ها ادعای نیابت می‌کنند و از طرف آقا خط و کاغذ می‌آورند، پارچه می‌آورند و بدین وسیله از مردم سوءاستفاده می‌کنند.

امکان رؤیت برای سید بحرالعلوم، مقدس اردبیلی و شخصیت‌های بزرگ فراهم بوده است. آن‌ها نیز هیچ وقت نخواستند از این طریق از مردم سوءاستفاده کنند؛ بلکه ارتباط شخصی برای خودشان بوده است. اگر این دیدار پیامی هم داشته است، نقل کرده‌اند. مرحوم محمدباقر سیستانی این داستان را در اواخر عمرش نقل می‌کند و می‌گوید دیدم آقا نشستند، فرمودند: محمدباقر، دنبال من می‌گردی؟ من اینجا هستم. گفتم: آقا، اینجا بالای سر این جنازه چه می‌کنید؟ فرمودند: این خانم از دنیا رفته است. آمده‌ام در مراسم شرکت کنم. پرسیدم: مگر این خانم کیست؟ آیا از اولیاء است؟ امام فرمودند: این خانم در کشف حجاب رضاخانی و دوران مبارزه با حجاب، هفت سال از خانه‌اش بیرون نرفت برای اینکه مجبور می‌شد حجابش را بردارد، لذا کنار بدنش آمده‌ام.

#### عفاف حضرت موسی علیه السلام

مرحوم علی بن ابراهیم قمی - اعلی الله مقامه الشریف - در تفسیری که منسوب به ایشان است، نقل می‌کند وقتی ابن‌عمران دید دختران شعیب جلوی او راه افتادند و باد لباسشان را بالا می‌برد، گفت: شما پشت سر من بیایید، من جلو می‌روم. گفتند: راه را بلد نیستی. گفت: من جلو می‌روم، هر کجا اشتباه رفتم، سنگی بیندازید من راه را پیدا می‌کنم.<sup>۱</sup>

شیطان به حضرت یحیی علیه السلام گفت: دو سلاح، برنده‌ترین سلاح و پشتوانه من است: یکی از آن‌ها غضب است. انسانی که غضب می‌کند، مرتکب قتل می‌شود، جنایت می‌کند و در واقع گرفتار خطاها و معصیت‌های بیشتری می‌شود. سلاح دیگر زنان نامحرم است. این دو نور چشم و برنده‌ترین سلاح من هستند. در طول تاریخ یکی از حربه‌هایی که دشمن همیشه برای انحراف جامعه استفاده کرده است، همین حربه بدحجابی و گسترش فساد در جامعه بوده است.

#### گسترش فساد، عامل شکست آندلس

مسلمانان ۸۰۰ سال در آندلس حکومت کردند. اندلس یا همان اسپانیای امروزی در سال ۹۲ هجری فتح شد و در سال ۸۹۸ سقوط کرد. مسلمانان ۸۰۶ سال در اسپانیای

۱. علی بن ابراهیم قمی؛ تفسیر القمی؛ ج ۲، ص ۱۳۸.

فعلی حکومت داشتند. مسیحی‌ها چه کار کردند که این جامعه را از اسلام به مسیحیت برگرداندند؟ با ترویج فساد، کاباره‌ها، مراکز شراب، کلوپ‌های شبانه، استفاده از وجود زنان و دختران زیبای مسیحی در پارک‌ها، هویت جوان مسلمان را گرفتند و به راحتی بر او حاکم شدند. آن‌ها از این طریق توانستند مسلمانان را مسیحی کنند.<sup>۱</sup>

### شبه‌ترانی، عامل شکست لشکر موسی علیه السلام

قوم موسی علیه السلام چگونه شکست خورد و بلعم باعورا چگونه توانست جلوی پیروزی آن‌ها را بگیرد؟ در روایت دارد بلعم گفت: زنان و دختران را آرایش کنید و بین لشکر موسی بفرستید. آن‌ها به این وسیله مرتکب فحشا می‌شوند و بیماری به سراغ آن‌ها می‌آید. طاعون در لشکر موسی علیه السلام افتاد و بیست هزار نفر از لشکرش از بین رفتند و پشت دروازه‌های انطاکیه ماندند و نتوانستند حمله کنند. چرا؟ به خاطر همین فسادی که در جامعه ایجاد شد.<sup>۲</sup>

### حولاء عطاره

در روایتی آمده است زنی به نام حولا برای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله عطر می‌آورد: «امْرَأَةٌ عَطَّارَةٌ لِأَيِّ رَسُولٍ لِلَّهِ». او می‌گوید: روزی شوهرم مرا صدا زد و با من کار داشت. من توجه نکردم و بدخلقی کردم. - گاهی اتفاق می‌افتد آقایان و خانم‌ها به حرف یکدیگر گوش نمی‌دهند. بعضی خانم‌ها با من تماس می‌گیرند، می‌گویند: همه حرف‌هایی را که آقایان به شما سفارش کردند و شما به ما گفتید، به ما می‌گویند؛ اما آن‌هایی را که ما به شما گفتیم، نمی‌گویند. نباید این‌گونه باشد - می‌گوید شوهرم عصبانی شد و از خانه بیرون آمد. پیش خودم فکر کردم کار بدی انجام داده‌ام. وقتی وارد خانه شد، بلند شدم «وَقَبَلْتُ يَدَهُ الْيُمْنَى» دستش را بوسیدم، گفتم: من اشتباه کردم، نفهمیدم، عذر می‌خواهم. مرا با دست کنار زد و رویش را برگرداند و توجهی نکرد. - این هم بد است که بعضی‌ها عذرپذیر نیستند - پس از مدتی خواست به مسجد برود. من هم دنبالش رفتم. مدام شانه به شانه‌اش می‌رفتم، گاهی او جلوتر می‌رفت

۱. ر.ک: مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱، ص ۳۵۰.

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۱۳، ص ۳۷۳.

که من کنارش راه نروم. گاهی من می‌دویدم؛ زیرا او تندتر می‌رفت. از مسجد که بیرون آمد، باز جلو رفتم تا با او صحبت کنم. دیدم برگشت. زودتر از او به خانه رفتم. آرایش کردم، غذا آماده کردم، زمینه را فراهم کردم. آمد و باز توجه نکرد، شب در بستر هم به من توجه نکرد. من هم از دو چیز می‌ترسیدم: «مَخَافَةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ خَوْفًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ». با خودم می‌گفتم: خدایا غضب شوهر باعث نشود جهنمی شوم؛ چون نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به زنان فرمود اگر ثواب جهاد می‌خواهید، جهاد زن خوب شوهرداری کردن است<sup>۱</sup> و فرمود: زنی که از دنیا می‌رود، همسرش باید از او راضی باشد. لذا زهرای مرضیه عَلَيْهَا السَّلَام با آن عظمت در بستر، اولین مطلبی که از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌خواست، همین بود که پرسید: علی جان، از من راضی هستی یا نه؟ می‌خواهم با رضایت تو از دنیا بروم - حوالا می‌گوید: هر چه کردم، او دلش نرم نشد. تا صبح نخوابیدم. «بَكَتُ بُكَاءً شَدِيدًا»، مدام گریه کردم و می‌گفتم: خدایا از دو چیز می‌ترسم: از تو و از قیامت. اگر مسئله شرعی نبود، من هم به او توجه نمی‌کردم. صبح که از خواب بلند شدم و به خانه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدم. در را زدم، ام‌سلمه پشت در آمد و گفت: کیست؟ حوالا هستم. گرفتارم. آمده‌ام مشکلم را حل کنم. ماجرا را که تعریف کرد، ام‌سلمه به او گفت: من هم نمی‌دانم، صبر کن رسول‌خدا بیاید. پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که آمدند. حوالا گفت: یا رسول‌الله! این‌گونه شده است. حضرت فرمودند: «برو به او بگو اگر مردی به زنش توجه کند و او را تحویل بگیرد، فرشته‌ها آن مرد را در آغوش می‌گیرند. این تذکر را به او بده».<sup>۲</sup> حوالا رفت و این سخن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را گفت و مشکل حل شد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سفارش‌هایی به حوالا کرد و حقوق و وظایف زن و مرد را برای او شمرد. به نظر من این روایت باید در جامعه مطرح شود. وجود مقدس پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تک تک وظایف زن را برشمرده است. وقتی این جریان پیش آمد و حوالا خدمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد، آن حضرت فرصت را مغتنم شمرد و به طور مفصل یک روایت را برایش فرمود؛ زیرا خانواده و مسئله عفاف و حجاب اهمیت بسیاری دارد، اما متأسفانه مسئله حجاب و عفاف، در جامعه در حال کم‌رنگ شدن است.

۱. همان، ج ۹۷، ص ۷.

۲. حسین بن محمدتقی نوری؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۴، ص ۲۳۸.

### توجه به همسر

آقایان هم باید این مسئله را رعایت کنند. راوی می‌گوید: به خانه امام باقر علیه السلام رفتم. ما هر وقت خانه امام باقر علیه السلام می‌رفتیم، اتاق ساده‌ای بود و در آن لباس‌های ساده‌ای داشتند. آن روز فرمود: داخل بیا. وارد اتاق اندرونی که شدم، دیدم این اتاق با اتاق بیرونی فرق می‌کند. این اتاق تزئین شده و زیباست. دیدم امام هم لباس زیبایی پوشیده و محاسنش را رنگ کرده است. عرض کردم: یابن رسول‌الله، چرا این‌گونه است؟ فرمود: «اینجا محل زندگی همسر است. اگر مرد به خودش برسد، همسرش به مردهای دیگر غبطه نمی‌خورد».

نقل است مردی ژولیده با لباس‌های ناپسند و با وضعی نامناسب در کوچه می‌رفت. حضرت علی علیه السلام تا او را دید، نگاهی به قیافه‌اش کرد - حتی ما مردها گاهی از بعضی مردها متنفر می‌شویم؛ حالا یک زن چگونه می‌تواند او را تحمل کند؟ من جوانی را دیدم که چهره خودش را به شکل عجیبی درآورده است. سرش را تراشیده بود؛ وضعیتی که با پیرمردهای هشتاد نود ساله جور در می‌آید، نه با جوان هفده هجده ساله. گفتم: عزیزم، من دارم از تو فرار می‌کنم، چگونه خانم تو می‌خواهد با تو زندگی کند؟ - حضرت به او فرمود: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»<sup>۱</sup>؛ مگر خدا نگفته است نعمت‌های مرا یادآوری کنید؟<sup>۲</sup>

گاهی خانم‌ها می‌گویند وضع مالی همسرمان خوب است، اما به خودش نمی‌رسد. به‌ویژه که انسان هر چه پیر می‌شود و سن‌اش بالاتر می‌رود، بیشتر باید نسبت به این نکات توجه و اهتمام داشته باشد.

بنابراین حجاب، دو اثر و فایده برای زنان دارد. اولین اثر این است که در اجتماع مورد اذیت و آزار بیماردلان قرار نمی‌گیرند. اثر دیگر اینکه به عنوان یک زن مؤمنه شناخته می‌شوند. در مجالس خانگی و عروسی‌ها به اشعاری که در این مجالس خوانده می‌شود توجه شود. مرحوم استاد محمدتقی جعفری - رضوان الله تعالی علیه - می‌فرمود: غنا و موسیقی یک نوسان احساسات و یک فروریختن معنویت دارد.

۱. ضحی: ۱۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۴۱۰؛ محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۵، ص ۱۹۲.



وقتی می‌نوازد، بالا می‌روی و نوسان پیدا می‌کنی، در خود احساس شادی و طرب می‌کنی؛ ولی وقتی تمام می‌شود، یک مرتبه معنویت می‌ریزد. آیا این فرد دیگر می‌تواند بایستد بگوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»؟ آیا می‌تواند با گفتن «السلام علیک یا ابا عبدالله» اشک بریزد؟ آیا می‌تواند با نگاه کردن به حرم حضرت معصومه علیها السلام منقلب شود؟ طبیعی است که این حالت‌ها را از انسان می‌گیرد. زندگی اهل بیت علیهم السلام ما نیز این مطلب را نشان می‌دهد. وقتی عقیده بنی‌هاشم، زینب کبری علیها السلام وارد مجلس یزید شد، آن خبیث با چوب به لب و دندان ابا عبدالله زد. یکی از کنیزانش که به اهل بیت علیهم السلام علاقه داشت، وارد مجلس شد و به یزید گفت: «زن، این پسر پیغمبر است». نوشته‌اند: یزید عبایش را برداشت و روی سر این زن انداخت که اندامش پیدا نباشد. به طور یقین آن کنیز بی‌حجاب نبوده و لباس معمولی به تن داشته است. این خبیث به مسئله حجاب کنیزانش اهمیت می‌دهد؛ آن‌گاه وقتی زینب کبری علیها السلام وارد مجلس یزید شد، - شما می‌دانید کاروان اسرا در ماه صفر وارد شام شدند یعنی تقریباً ۲۵-۲۰ روز بعد از حادثه کربلا، و در این فاصله خیلی اذیت شدند. به کوفه رفتند. به تکریت رفتند و سختی‌هایی را متحمل شدند. طبیعی است وقتی زینب کبری علیها السلام وارد می‌شود، باید از این وضعیت گله کند که چرا ما را به اسیری بردید؟ چرا ما را در این شهر و آن شهر گردانید؟ اما این‌گونه نشد - گفت: «أَمِّنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الطُّلَقَاءِ تَحْدِيرُكَ حَرَائِرِكَ وَإِمَاءَكَ؟» آیا این عدالت است که زنان خودت پشت پرده باشند» و «وَسَوْفُكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَبَايَا»<sup>۱</sup> اما دختران و عیالات رسول‌الله این‌گونه در مقابل نامحرم ظاهر شوند؟!». اولین اعتراض حضرت زینب علیها السلام به این مسئله بود. دختر کوچک اباعبدالله علیه السلام نیز در شب یازدهم وقتی عمه‌اش بالای سرش آمد، اولین مطلبی که گفت این بود: «يَا عَمَّتَاهُ هَلْ مِنْ خِرْقَةٍ أُسْتُرُ بِهَا رَأْسِي»<sup>۲</sup> عمه، تکه پارچه‌ای داری که من سرم را بپوشانم؟». این دختر چهار یا پنج ساله بوده است. مکلف نبوده است، اما امروز شما چگونه دختران هفت یا هشت ساله‌تان را آراسته می‌کنید و به برنامه می‌فرستید؛ کنار پسرها می‌نشانید که آن‌گونه در برنامه شعر بخوانند؟ چه اشکال دارد

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج ۴۵، ص ۱۳۳.

۲. همان، ص ۵۹.

بچه‌ها با چادر بیایند؟ چه اشکال دارد با مقنعه بیایند؟ ترویج حجاب را از کودکی آغاز کنید. اگر ما این درس را از عاشورا و کربلا نگیریم، چه درسی می‌خواهیم بگیریم؟ امیدوارم خدا به همه ما ان‌شاءالله توفیق ارتباط بیشتر با معارف اسلامی و اهل بیت علیهم‌السلام را عنایت بفرماید.

### فهرست منابع

۱. پاینده، ابوالقاسم؛ *نهج الفصاحة* (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)؛ چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعة*؛ تصحیح مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام؛ چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.
۳. صدوق، محمد بن علی؛ *کتاب من لا یحضره الفقیه*؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری؛ چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۴. طبرسی، حسن بن فضل؛ *مکارم الأخلاق*؛ چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۵. قمی، علی بن ابراهیم؛ *تفسیر القمی*؛ تحقیق طیب موسوی جزایری؛ چاپ سوم، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۷. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الأنوار*؛ تحقیق جمعی از محققان؛ چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۸. مطهری، مرتضی؛ *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*؛ تهران: نشر صدرا، ۱۳۸۴ش.
۹. نوری، حسین بن محمدتقی؛ *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*؛ تحقیق مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام؛ چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ ق.